



ماهواره و شبکه‌های اجتماعی؛ هووی جدید زوج‌ها

بالاخره از چیزی که می‌ترسید سرش آمد. یک درصد هم فکر نمی‌کرد شوهرش حرفش را عملی کند، اما کرد و پای ماهواره به خانه‌شان باز شد. صمیمیت میان او و همسرش از بین رفت و در مدت کوتاهی تبدیل به دو غریبه شدند که هیچ حرف مشترکی با یکدیگر نداشتند.

بالاخره از چیزی که می‌ترسید سرش آمد. یک درصد هم فکر نمی‌کرد شوهرش حرفش را عملی کند، اما کرد و پای ماهواره به خانه‌شان باز شد. صمیمیت میان او و همسرش از بین رفت و در مدت کوتاهی تبدیل به دو غریبه شدند که هیچ حرف مشترکی با یکدیگر نداشتند.

آرزو می‌گوید: «یک سال از ازدوجمان گذشته بود که یاسر یک روز به شوخی گفت دوستانم خیلی از برنامه‌های ماهواره‌ای تعریف می‌کنند و بهتر است ماهواره بگیریم. چون لحنش شوخی بود، جدی نگرفتم، اما یک روز وقتی به خانه برگشتم، دیدم شوهرم دستگاه را نصب کرده است. مات و مبهوت فقط نگاهش کردم و بدون این که یک کلمه با او حرف بزنم، به اتاقم رفتم. از ماهواره خوشم نمی‌آمد. چون دیده بودم که زندگی یکی از اقوامان به خاطر آن چطور از هم پاشیده بود و می‌ترسیدم همین بلا سر خودم هم بیاید. برای همین تصمیم گرفتم هر طور شده ماهواره را از زندگی‌ام حذف کنم. با قهر و حرف نزدن شروع کردم و با اشک و دعوا ادامه دادم، اما هیچ کدام را جدی نگرفت. یاسر روز به روز به ماهواره وابسته‌تر می‌شد. به محض این که از محل کار یا مهمانی به خانه برمی‌گشت، پای ماهواره می‌نشست و تا خود صبح نگاه می‌کرد. یک بار مچش را وقتی داشت فیلم‌های غیراخلاقی تماشا می‌کرد، گرفتم. خجالت کشید، اما عذرخواهی نکرد.»

عذرخواهی نکردن یاسر آتش ناراحتی آرزو را شعله‌ورتر کرد و همان شب دعوای سختی با هم کردند و مرد جوان برای اولین بار همسرش را کتک زد. فردای روز دعوا انگار نه انگار که اتفاقی افتاده باشد؛ یاسر از آرزو به خاطر کتکی که زده بود عذرخواهی کرد و قسم خورد اولین و آخرین بارش باشد که فیلم‌های ماهواره را تماشا می‌کند، اما به قول آرزو توبه گرگ مرگ بود و چند روز بعد دوباره همسرش را دید که دارد فیلم غیراخلاقی تماشا می‌کند.

زن جوان ادامه داد: «باز هم بدجور دعوا کردیم و شوهرم ساعت چهار صبح از خانه بیرون زد. صبح که شد موضوع را با یکی از دوستانم در میان گذاشتم و گفت همه مردها همین طور هستند، بی‌دلیل حساسیت نشان نده، اما نمی‌توانستم بی‌تفاوت باشم و زندگی نابود شده زن فامیل‌مان مدام جلوی چشمم رژه می‌رفت.»

آرزو که زندگی‌اش را در خطر نابودی می‌دید، این بار از در مهربانی وارد شد و سعی کرد با محبت و همراهی کردن با همسرش، او را از ماهواره دور کند.

زن جوان می‌گوید: «به یاسر گفتم که من هم همراه تو پای ماهواره می‌نشینم، اما هر فیلمی نبینیم. این همه شبکه مفید چرا آنها را تماشا نکنیم؟ اما شوهرم زیر بار نرفت و دوباره دعوایمان شد و باز هم قهر کردم. یک روز که از سرکار به خانه برگشت، طبق معمول ماهواره را روشن کرد، اما تنظیماتش بهم ریخته بود. یاسر فکر می‌کرد کار من است و با داد و بیداد گفت که چرا ماهواره را بهم ریخته‌ای؟ قسم خوردم که روحم خبر ندارد و بعد هم قهر کرد و رفت خوابید. فردای آن روز به دوستم زنگ زدم و آمد و تنظیماتش را درست کرد. شب که یاسر به خانه برگشت، گفتم ماهواره درست شده و حالا دست از بچه‌بازی بردار و بیا غذایت را بخور. گفت دست از سرم بردار. حرف‌هایش عصبی‌ام کرده بود. داد زدم و گفتم مگر نان شب است که حرصش را می‌زنی؟ گفت از نان شب هم واجب‌تر است. کنترل را پرت کردم توی صورتش و به حیاط رفتم. از حیاط صفحه تلویزیون مشخص بود و دیدم که باز هم سراغ شبکه‌های ماهواره رفت.

با این که هوا تاریک بود، اما تصمیم گرفتم به خانه مادرم بروم. لباس پوشیدم و در را به هم کوبیدم. منتظر بودم دنبالم بیاید، اما نیامد. هر چه می‌گذشت، اخلاقم بد و بدتر می‌شد و با هم حرف هم نمی‌زدیم. ماهواره و فیلم‌های کم بود، چند وقت بعد با گوشی گرانقیمتی که خرید شبکه‌های مجازی و شب‌بیداری‌هایش هم به آن اضافه شدند. همه‌جور برنامه‌ای هم روی گوشی نصب کرده بود، از تانگو و بیتالک بگیرد تا تلگرام و واتس‌آپ و اینستاگرام و خلاصه همه چیز. چند بار با مهربانی به یاسر گفتم درست نیست این همه با گوشی سرگرم باشد. همان لحظه قبول می‌کند، اما یک ساعت بعد دوباره کار خودش را می‌کند. طوری سرگرم گوشی شده که وقتی به مهمانی یا مجلسی دعوت می‌شویم، از بس غرق در تلفنش است که همه می‌فهمند. صدایش هم می‌کنند متوجه نمی‌شود.

تمام مدت به تلفنش زل می‌زند. تازگی‌ها حس می‌کنم خیانت هم می‌کند، هرچند هنوز هیچ مدرکی از او پیدا نکرده‌ام. قسمت جالب قضیه اینجاست که تازگی‌ها به من هم شک کرده و رفت و آمد و گوشی‌ام را کنترل می‌کند. اگر از خدا و جهنمش نمی‌ترسیدم، خودم را می‌کشتم. خانواده‌های زیادی را می‌شناسم که به دلیل همین ماهواره و شبکه‌های اجتماعی از هم پاشیده‌اند. به نظر شما چه کنم با رفتارها و بی‌توجهی‌های شوهرم؟ نمی‌دانم با ماهواره مخالفت کنم یا پرسه‌هایش در شبکه‌های اجتماعی؟

لیلا حسین زاده - ضمیمه تپش